

The Duality of Judicial and Law Enforcement Policymaking in Addressing Theft Crime

Masoud Shariati¹

Mohammad Yavari²

Type of article: A Research Paper

Received: 19/02/2025

Accepted: 04/05/2025

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.10/NO.2 (serial 36)/Summer 2025*115-150



DOI: 10.22034/SSJ.2025.104649

Abstract

Background and aim: Modern societies face complex challenges in the realm of public security, and theft, as a financial-social crime, significantly affects societal stability and citizen trust. In Iran, judicial and law enforcement bodies are responsible for controlling this crime, yet differences in their approaches have made the alignment or conflict of policies a research concern. This study aims to comparatively analyze the policies of both institutions and propose solutions to improve inter-agency coordination.

Method: This qualitative study utilized thematic analysis, with semi-structured interviews conducted with 23 judicial and law enforcement experts and managers (selected based on lived experience, academic expertise, and practical roles). Data were coded using MAXQDA software, and reliability was confirmed through participant review and coder agreement.

Results: Three main themes and eight organizing themes were identified: Active Prevention (including social supervision, civic education, and deterrence via police presence); Reformative Decriminalization (reforming theft punishment laws, replacing imprisonment with alternative measures, and reducing the economic motivations for crime); Inefficiency in Collaboration Networks (including lack of coordination in data exchange, human resource limitations, and challenges in executing joint agendas).

Conclusion: Despite the inherent differences in missions, prevention and punishment policies overlap within an integrated framework. The absence of institutional mechanisms (such as integrated oversight systems or rapid response agendas) was identified as the main obstacle. The study highlights the necessity of combining situational prevention with restorative justice for a comprehensive approach to theft. Bridging policy and operational gaps between institutions can enhance crime control effectiveness and public trust.

Keywords: Policy, judiciary, law enforcement, crime, theft, offenders.

1. Assistant Professor, Department of Human Resource Management, Faculty of Organizational Resource Management, Amin University of Law Enforcement Sciences, Tehran, Iran (Corresponding author), masoud_shariati@atu.ac.ir

2. Master of Science in Law Enforcement Command and Management, Faculty of Command and Staff, Amin University of Law Enforcement Sciences, Tehran, Iran. yavari9404@gnil.com

دوگانه خطمشی گذاری قضایی و انتظامی در مواجهه با جرم سرقت

مسعود شریعتی^۱

محمد یآوری^۲

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/ سال دهم/ شماره ۲ (پیاپی ۳۶) - تابستان ۱۴۰۴* ۱۱۵-۱۵۰



DOI: 10.22034/SSJ.2025.104649

چکیده

زمینه و هدف: جوامع مدرن با چالش‌های پیچیده‌ای در حوزه امنیت عمومی روبه‌رو هستند و سرقت به‌عنوان جرمی مالی - اجتماعی، تأثیرات گسترده‌ای بر ثبات جامعه و اعتماد شهروندان برجای می‌نهد. در ایران، نهادهای قضایی و انتظامی مسئول کنترل این جرم هستند، اما تفاوت رویکردها، مسئله هم‌سویی یا تعارض خطمشی‌ها را به چالشی پژوهشی تبدیل کرده‌است. این مطالعه با هدف تحلیل تطبیقی خطمشی‌های دو نهاد و ارائه راهکارهایی برای بهبود هماهنگی بین سازمانی انجام شده‌است.

روش: این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمونی، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۳ کارشناس و مدیر قضایی و انتظامی (انتخاب‌شده بر اساس تجربه زیسته، تخصص علمی و نقش عملی) انجام شد. داده‌ها با نرم‌افزار مکس کیودا کدگذاری و پایایی آنها نیز از طریق بازبینی مشارکت‌کنندگان و توافق کدگذاران تأیید گردیده‌است.

یافته‌ها: سه مضمون اصلی و هشت مضمون سازمان‌دهنده استخراج شد. پژوهش شامل موارد ذیل است: ۱. پیشگیری فعال (شامل نظارت اجتماعی، آموزش شهروندی و بازدارندگی از طریق حضور پلیس)؛ ۲. جرم‌زدایی اصلاحگر (اصلاح قوانین مجازات سرقت، جایگزینی زندان با روش‌های جایگزین و کاهش انگیزه‌های اقتصادی جرم)؛ ۳. ناکارآمدی شبکه همکاری (ناهماهنگی در تبادل اطلاعات، محدودیت منابع انسانی و چالش‌های اجرای دستورکارهای مشترک).

نتایج: باوجود تفاوت مأموریت‌های ذاتی، خطمشی‌های پیشگیری و مجازات در چارچوبی یکپارچه هم‌پوشانی دارند. نبود سازوکارهای نهادی (مانند سامانه‌های نظارتی یکپارچه یا دستورکارهای واکنش سریع) به‌عنوان مانع اصلی شناسایی شد. این پژوهش ضرورت تلفیق پیشگیری وضعی با عدالت ترمیمی را برای مقابله جامع با سرقت برجسته می‌کند. رفع شکاف‌های خطمشی و عملیاتی بین نهادهای می‌تواند به افزایش اثربخشی کنترل جرم و اعتماد عمومی بیانجامد.

واژگان کلیدی: خطمشی، دستگاه قضایی، دستگاه انتظامی، جرم، سرقت، مجرم‌ان.

۱. استادیار گروه مدیریت منابع انسانی، دانشکده مدیریت منابع سازمانی، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین. تهران. ایران
(نویسنده مسئول) masoud_shariati@atu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران.
yavari9404@gnil.com

مقدمه

حکمرانان در طول تاریخ برای اداره سالم نهادهای حاکمیتی و تنظیم مناسبات و روابط بین شهروندان با چالش‌های چندوجهی و پیچیده‌ای مواجه بوده‌اند که نیازمند راهکارهای سیاستی متناسب با پیچیدگی‌های هر عصر است. معضلات و ناهنجاری‌ها در حوزه اجتماعی، به‌عنوان آسیب و یا «اختلال در کارکرد نظام اداری و حاکمیتی» تعریف می‌شوند؛ از منظر آسیب‌شناسی نهادی، تحلیل این پدیده‌ها مستلزم بررسی ریشه‌ای علل، پیشگیری و درمان آنهاست؛ به‌گونه‌ای که ناهنجاری‌ها نه تنها به‌عنوان تخلف از هنجارها، بلکه به‌عنوان نشانه‌ای از شکاف بین ساختارهای رسمی و واقعیت‌های جامعه درک شوند.

در این میان، سرقت به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین جرم‌های مالی، ازجمله مصادیق بارز آسیب‌های اجتماعی است که پیامدهای آن فراتر از زیان‌های مادی، امنیت روانی جامعه را مخدوش می‌سازد. سرقت، به‌ویژه در اشکال نوین آن، بازتابی از ناکارآمدی سامانه‌های پیشگیرانه و واکنشی در مواجهه با تحولات فناورانه و تغییر الگوهای اقتصادی - اجتماعی است. به‌عنوان مثال، آمار به‌دست‌آمده از عملکرد پلیس‌های آگاهی سراسر کشور و جمع‌بندی آماری وقوع و کشف سرقت خودرو بیانگر این است که در سال ۱۴۰۲ از ۱۰۰ درصد خودروهای موجود در کشور ۲۶ درصد انواع خودرو مورد سرقت واقع شده‌است که ۸۶/۲ درصد این سرقت‌ها منجر به کشف شده‌است و این درحالی‌است که در مقایسه با مدت مشابه سال ۱۴۰۱ با کاهش ۹/۱ درصدی سرقت خودرو و همچنین، افزایش ۴/۱ درصدی کشف مواجه هستیم. میانگین جهانی سرقت خودرو به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر ۸۵/۳ است و این نرخ در ایران ۸۶/۳ است که نزدیک نرخ جهانی است (سایت وایز).

مطالعات و پژوهش‌های انجام‌گرفته درخصوص سرقت در ایران طی دو دهه اخیر نتوانسته‌است بازدارندگی دانش‌محور، مدیریت‌محور و انتظام‌بخش را در لایه‌های مختلف جامعه فراهم سازد و به‌رغم انجام مطالعات، پژوهش‌ها و همچنین، برگزاری همایش‌ها و انتشار مقالات متعدد در رابطه با عوامل، زمینه‌ها

و بسترهای وقوع سرقت و راهکارهای پیشگیری از سرقت، بازهم سرقت بیشترین درصد وقوع جرم را در کشور به خود اختصاص داده‌است؛ بنابراین، می‌توان ادعا نمود که اهمیت موضوع سرقت به‌اندازه‌ای است که امنیت عمومی را با مخاطرات عدیده‌ای مواجه می‌سازد و آثار نامطلوبی را در جامعه به‌دنبال دارد. درواقع، سرقت دارای پیامدهای زیان‌بار پهن‌دامنه‌ای در حوزه مسائل اجتماعی است و می‌تواند جامعه، امنیت عمومی مردم و همچنین، دستگاه‌ها و بدنه سازمانی پلیس را با چالش مواجه سازد. واکر^۱ (۲۰۰۵) در کتاب پلیس در آمریکا به بررسی رابطه پیچیده بین پلیس و سیستم قضایی در چارچوب عدالت کیفری پرداخته و تحلیل نموده‌است که پلیس به‌عنوان مجری قانون (جمع‌آوری شواهد، پیشگیری از جرم و تأمین امنیت) و سیستم قضایی به‌عنوان نهاد تصمیم‌گیر (اعمال عدالت و بررسی پرونده‌ها) در این خصوص، نقش ارزنده‌ای را ایفا می‌کنند. وی تنش‌های بین این دو نهاد را ناشی از اختلاف اهداف (مثل تضاد بین سیاست‌های پلیسی و حقوق بشر) دانسته و تأثیر آن بر عملکرد عمومی را نیز بررسی می‌کند. درعین‌حال، او بر ضرورت همکاری و هماهنگی بین پلیس و قوه قضائیه برای بهبود کارایی و کاهش جرایم تأکید نموده‌است.

در مواجهه با سرقت، نهادها و سازمان‌های گوناگونی دست‌اندرکار هستند که هرکدام با رویکردها و تخصص‌های خاص خود به این موضوع پرداخته و فعالیت می‌کنند؛ اما دو نهاد مهم در مواجهه با سرقت در داخل کشور فراجا و قوه قضائیه هستند. فراجا به‌عنوان سازمان اجرایی، مسئولیت رسیدگی به جرایم مختلف ازجمله سرقت را برعهده دارد و در این راستا اقدام به تدوین خط‌مشی‌های انتظامی در مواجهه با سرقت نموده‌است که شامل مجموعه‌ای از اصول، قوانین و رویه‌ها است که توسط نیروهای انتظامی پیروی می‌شود تا با جرم سرقت به‌طور مؤثر به مقابله برخیزند. این خط‌مشی بر اساس احترام به حقوق و آزادی‌های افراد، تضمین امنیت عمومی و حفظ قانون و نظم در جامعه استوار است. قوه قضائیه نیز با تدوین سیاست‌ها و راهکارهای جدید، می‌تواند

در کاهش و پیشگیری از سرقت‌ها و جرایم مشابه به‌عنوان یکی از ارکان اصلی سامانه عدالت وارد عمل شود. در این راستا قوه قضائیه اقدام به تدوین خط‌مشی‌های قضائی در مواجهه با سرقت نموده‌است که شامل مجموعه‌ای از اقدامات قانونی است که برای شناسایی، دستگیری، محاکمه و مجازات فرد یا افراد متهم به سرقت انجام می‌گیرد. این خط‌مشی‌ها شامل فرآیندهای قانونی متعددی است که در طول رسیدگی به پرونده سرقت، پلیس، بازپرس، دادسرا و دادگاه درگیر هستند و شامل امور شناسایی متهمان، جمع‌آوری شواهد و مدارک لازم، تهیه پرونده کامل، صدور حکم محاکمه و صدور حکم نهایی از سوی دادگاه است. درواقع، فراجا (به‌عنوان بازوی اجرایی پیشگیری و مقابله) و قوه قضائیه (به‌عنوان نهاد دادرسی و مجازات) در این حیطه عمل می‌کنند. فراجا با تمرکز بر خط‌مشی‌های انتظامی، بر پیشگیری وضعی (مانند گشت‌زنی، نظارت تصویری) و افزایش هزینه ارتکاب جرم از طریق حضور فیزیکی تأکید دارد؛ در مقابل، قوه قضائیه با تدوین سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه (مطابق مواد ۲۶۷ تا ۲۷۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) و اصلاح آیین‌نامه‌های دادرسی، بر بازدارندگی از طریق مجازات متمرکز است؛ باین‌حال، تفاوت در مبانی نظری، اولویت‌های عملیاتی و حتی تفسیر قوانین، گاه به تعارض خط‌مشی^۱ می‌انجامد؛ برای نمونه، تأکید فراجا بر «جرم‌زدایی از پرونده‌های کم‌اهمیت» برای کاهش بار کاری، ممکن است با جهت‌گیری قضایی به‌سمت «عدم مصالحه در جرایم مالی» در تضاد قرارگیرد و این تعارضات در مواردی به ناکارآمدی سیستم، کاهش اعتماد عمومی و تشدید احساس ناامنی منجر می‌شود.

مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که در کشورهایی مانند آلمان و سنگاپور، هماهنگی بین‌سازمانی^۲ میان پلیس و نهادهای قضایی از طریق ایجاد شبکه‌های خط‌مشی^۳، نقش کلیدی را در کاهش سرقت برعهده داشته‌است. این هماهنگی مستلزم یکپارچه‌سازی داده‌های جرم‌شناسی، اشتراک اطلاعات در

1. Policy Conflict

2. Interorganizational Coordination

3. Policy Networks

زمان واقعی و تدوین پروتکل‌های مشترک است. در ایران، اما گاه موانعی نظیر تفاوت در ساختار حقوقی (حقوق اداری در برابر حقوق کیفری)، فقدان سازوکارهای نظارتی مشترک و حتی تمایزات فرهنگی سازمانی، همکاری بین فراجا و قوه قضاییه را با چالش مواجه می‌سازد. درحقیقت، سیاست‌های انتظامی به‌شدت تحت‌تأثیر عوامل اجتماعی و سیاسی قراردارند و این تأثیرات ممکن است منجر به وجود دوگانگی‌های مهم در رویه‌های قضایی شود. همچنین، نگرش‌های عمومی نسبت به پلیس و سیستم قضایی می‌تواند بر شکل‌گیری سیاست‌ها و تأثیر آنها بر جرم تأثیرگذار باشد. درک این تنش، کلید بهبود همکاری میان دو نهاد است تا از بروز جرم و ایجاد بی‌اعتمادی عمومی جلوگیری شود. بنابراین، در این مسیر، علاوه بر هدف، می‌بایست همکاری شبکه‌ای بین نهادها و سازمان‌ها به‌ویژه فراجا و قوه قضاییه به‌صورت منسجم، هدفمند و هم‌افزا انجام پذیرد تا خط‌مشی‌های سازمان‌ها یکدیگر را خنثی نکرده و یا در تعارض باهم قرار نگیرند و باعث افزایش سرقت و جسارت سارقان و متعاقب آن کاهش اعتماد عمومی و افزایش ناامنی در سطح جامعه نشود. در این پژوهش هدف محقق تبیین خط‌مشی قضائی و انتظامی در بحث مواجهه با جرم سرقت است.

پیشینه

رشیدی (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی جرم سرقت در حقوق ایران و آمریکا» به مقایسه قوانین کیفری دو کشور پرداخته و سرقت مقرون به آزار را تحلیل کرده‌است. در حقوق ایران، عدم تصریح به «تهدید» در ماده ۶۵۲ تعزیرات و ابهام در عنصر قانونی از نواقص شمرده شده‌است. این پژوهش بر ضرورت اصلاح قوانین برای تطابق با نیازهای روز تأکید دارد و پیشنهادهایی مانند حذف شرط مسلح‌بودن سارق را ارائه داده‌است.

اندی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «واکاوی نظریات جرم‌شناسی درباره جرم سرقت» عوامل اجتماعی مانند نابرابری اقتصادی، مهاجرت و بیکاری را به‌عنوان بسترهای سرقت بررسی نموده‌اند. راهکارهای پیشگیری شامل کنترل آسیب‌های اجتماعی، بهبود فضای مجازی و مشارکت

نهادهای مختلف است. این پژوهش بر لزوم توجه به ریشه‌های جرم به‌جای تمرکز صرف بر مجازات تأکید می‌کند و نقش آموزش و اشتغال را پررنگ می‌داند.

کشوریان آزاد و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «طراحی مدل اجرای خط‌مشی‌های قضایی» الگویی با هشت بعد شامل سیاست‌های اجرا، حکمرانی شبکه‌ای و توانمندسازی نیروی انسانی ارائه نموده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که سیاست‌های اجرا بیشترین تأثیر را دارند. این پژوهش الگویی مبتنی بر آموزه‌های دینی و اسناد بالادستی پیشنهاد می‌کند و بهبود هماهنگی بین نهادها را ضروری می‌داند.

منظمی‌تبار و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی تعامل فراجا و قوه قضاییه در پیشگیری از جرم» نشان می‌دهد که اختلاف در برداشت دو نهاد از «پیشگیری» و نبود سند همکاری مشترک، همکاری را مختل کرده‌است. آزمون‌های آماری تأیید می‌کنند که دانش و نگرش کارکنان دو دستگاه یکسان نیست و نتیجه‌گیری پژوهش، بر لزوم ایجاد چارچوب مفهومی مشترک و برنامه‌های عملیاتی هماهنگ تأکید می‌کند.

رجبی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «نقش پلیس در پیشگیری و کنترل جرم» بر وظایف فراجا در مواجهه با جرایمی مانند موادمخدر، قاچاق و تروریسم تمرکز دارد. این پژوهش قوانین داخلی و تعهدات بین‌المللی ایران را بررسی کرده و بر لزوم تقویت سیاست‌های تقنینی برای پیشگیری اولیه و ثانویه تأکید می‌کند. نقش پلیس در اجرای این سیاست‌ها به‌عنوان حلقه واسطه پررنگ شمرده شده‌است.

اعتباریان و کشوریان آزاد (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌های قوه قضاییه» عوامل مؤثر در این حوزه را به‌ترتیب اولویت شامل مجریان، تدوین‌کنندگان و ارزیابان معرفی کرده‌است. این پژوهش بر وضوح اهداف و بهبود ارتباط بین سطوح مختلف قضایی تأکید دارد و در آن، رابطه دوسویه مجریان و خط‌مشی‌گذاران و نقش سناریوهایی مانند چانه‌زنی و تفویض اختیار تحلیل شده‌است.

رزاقی و خالقی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «رویکرد قضایی و انتظامی به سرقت‌های خرد» چالش بازگشت مجدد سارقان به چرخه جرم را بررسی کرده‌است و عوامل اجتماعی مانند طرد زندانیان و کمبود مهارت‌های شغلی به عنوان دلایل تکرار جرم معرفی شده‌اند. نویسندگان نتیجه می‌گیرند که پیشگیری از سرقت نیازمند مشارکت نهادهای غیرقضایی و اصلاح قوانین کیفری بر اساس آموزه‌های اسلامی است.

عباسلو و قاسمی عطایی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تأثیر خلأهای قانونی بر عملکرد پلیس پیشگیری» نشان می‌دهند که ابهام در اختیارات ضابطان قضایی، بازرسی خودروها و برخورد با مظنونان، عملکرد پلیس را مختل می‌کند. بیش از ۷۰ درصد شرکت‌کنندگان، خلأ قانونی را عامل اصلی دانسته‌اند و پیشنهاد پژوهش، شفاف‌سازی قوانین و افزایش اختیارات قانونی پلیس برای بهبود کارایی است.

روشا بیردال^۱ (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان «واقعیت حقوقی یا سراب قانونی؟ بررسی رابطه بین خشونت پلیس، آگاهی حقوقی و وعده عدالت مدنی» با استفاده از چارچوب نظری «آگاهی حقوقی»^۲ به بررسی شکاف میان حقوق رسمی و تجربیات زیسته افراد در مواجهه با خشونت پلیس می‌پردازد. نویسنده با ترکیب روش‌های کیفی و تحلیل حقوقی نشان می‌دهد که چگونه قوانین ظاهراً حامی شهروندان، در عمل به ابزاری برای توجیه خشونت سیستماتیک تبدیل می‌شوند. مطالعه موردی جوامع کم‌درآمد نیویورک به خوبی آشکار می‌کند که مواجهه مکرر با ناکارآمدی سیستم قضایی، نوعی بی‌اعتمادی ساختاری را در میان گروه‌های آسیب‌پذیر ایجاد کرده است. این پژوهش به ویژه بر مفهوم «سراب حقوقی» تأکید دارد؛ شرایطی که در آن حقوق رسمی وجود دارد، اما برای بسیاری از شهروندان غیرقابل دسترس است. مصاحبه‌های عمیق با ۴۵ نفر از قربانیان خشونت پلیس الگوهای نگران‌کننده‌ای را آشکار می‌سازد. اولاً، بسیاری از مصاحبه‌شوندگان گزارش داده‌اند که پیگیری حقوقی

1. Rocha Beardall, T.

2. Legal Consciousness

منجر به تلافی‌جویی پلیس شده است. ثانیاً، پاسخ‌دهندگان رنگین‌پوست به طور خاص بر این نکته تأکید داشتند که مصونیت کیفری پلیس^۱ به رفتارهای خشونت‌آمیز مشروعیت می‌بخشد. جالب توجه آنکه، این مطالعه نشان می‌دهد حتی وقتی قربانیان از مکانیسم‌های حقوقی رسمی آگاه هستند، به دلیل پیش‌بینی نتایج بی‌فایده، از اقدام قانونی خودداری می‌کنند. این یافته‌ها به خوبی نشانگر آن است که سیستم عدالت کیفری نه تنها در کاهش نابرابری ناکام بوده، بلکه خود به عاملی برای تشدید بی‌عدالتی تبدیل شده است.

لووسکی^۲ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «بازاندیشی در تخصص پلیس» نقدی بر اعتماد سیستم قضایی آمریکا به تجربه پلیس به عنوان «تخصص» وارد نموده است. نویسنده استدلال می‌کند که قضات بدون پشتوانه علمی، شهادت پلیس را می‌پذیرند و این امر ممکن است متأثر از تعصبات نژادی باشد و پیشنهاد کرده است که ادعاهای پلیس تنها با داده‌های تجربی و روش‌های علمی تأیید شوند تا از نقض حقوق متهمان جلوگیری شود.

روگر و فایرفاکس^۳ (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «واگذاری وظیفه تعقیب کیفری به نهادهای خصوصی» بر مسئولیت دوگانه نهادهای اجرای قانون در حفظ رفاه عمومی و عدالت تأکید کرده‌اند. نویسندگان معتقدند که سیستم عدالت باید بین منافع دولت و حقوق فردی توازن ایجاد کند و همکاری نهادها و شفافیت در فرآیندهای کیفری به عنوان راهکار کاهش تنش‌ها پیشنهاد شده است.

لويس شِرمَن و جان اکِه^۴ (۲۰۰۲) در پژوهشی با عنوان «تأثیر روش‌های پلیسی در پیشگیری از جرم» نشان می‌دهند که اقداماتی مانند افزایش حضور پلیس در مناطق پرخطر، کاهش جزئی اما معنادار سرقت را به دنبال دارد. همچنین، نویسندگان بر لزوم استفاده از داده‌های علمی و همکاری بین نهادهای انتظامی و قضایی تأکید می‌کنند.

-
1. Qualified Immunity
 2. Lvovsky
 3. Roger & Fairfax
 4. Sherman & Eck

گایل کلینگ و مایکل موری^۱ (۱۹۸۹) در گزارش خود، تحولات استراتژیک پلیس در ایالات متحده و تأثیر آن بر کنترل جرم در مناطق شهری را بررسی کرده‌اند. نویسندگان با اشاره به ناکارآمدی روش‌های سنتی پلیس (تمرکز بر امنیت و کنترل جرم با شیوه‌های قهری)، رویکرد جدید «پلیس جامعه‌گرا» را معرفی می‌کنند که بر پیشگیری از جرم، همکاری با جامعه و ارتقای کیفیت زندگی تأکید دارد. آنها استدلال می‌کنند که چالش‌های نوین شهری مانند افزایش جرایم، نیاز به سیاست‌هایی مبتنی بر مشارکت اجتماعی، تقویت مسئولیت‌پذیری شهروندان و جایگزینی واکنش‌های پیشگیرانه به جای پاسخ‌های پسینی را ضروری می‌سازد. نقش کلیدی همکاری نهادهای قضایی با پلیس نیز در این گزارش برجسته شده است. نویسندگان معتقدند که موفقیت استراتژی‌های جدید پلیس، وابسته به اشتراک اطلاعات، برنامه‌ریزی مشترک و تدوین سیاست‌های یکپارچه بین پلیس، دادگاه‌ها و مقامات قضایی است. این همکاری می‌تواند به کاهش جرم و افزایش اعتماد عمومی جامعه نسبت به سیستم عدالت کمک کند.

جمع‌بندی پیشینه‌های پژوهش و تطابق آن با موضوع مقاله را می‌توان در دو بعد کلی تبیین کرد:

۱. تفاوت در موضوع و روش پژوهش: پژوهش‌های حقوقی تطبیقی (مثل رشیدی، ۱۴۰۳) بیشتر به مقایسه قوانین کیفری ایران و آمریکا پرداخته‌اند؛ در حالی که این پژوهش تمرکز بر خط‌مشی‌گذاری داخلی و تعامل نهادهای قضایی - انتظامی دارد. تحقیقات جرم‌شناسی (مثل اندی و همکاران، ۱۴۰۲) عوامل اجتماعی سرقت را بررسی کرده‌اند اما پژوهش حاضر به نقش نهادی قوه قضاییه و پلیس در پیشگیری و مقابله با سرقت می‌پردازد. مطالعات سیاستی (مثل کشوریان‌آزاد، ۱۴۰۱ و اعتباریان، ۱۳۹۸) الگوهای اجرای خط‌مشی قضایی را تحلیل کرده‌اند اما پژوهش حاضر، تعامل دوسویه قضات و فراجا را در یک جرم خاص (سرقت) بررسی می‌کند. پژوهش‌های انتظامی (مثل منظمی‌تبار، ۱۴۰۱ و

قاسمی عطایی، ۱۳۹۳) مشکلات ساختاری فراجا را تحلیل کرده‌اند اما پژوهش حاضر به هماهنگی یا تعارض خطمشی‌های قضایی و انتظامی می‌پردازد.

۲. تفاوت در یافته‌ها و دانش‌افزایی: پژوهش منظمی تبار (۱۴۰۱) نشان داد که نگرش فراجا و قوه قضاییه نسبت به پیشگیری متفاوت است، این پژوهش با تحلیل مضمون مصاحبه‌ها، ریشه‌های این تعارض در خطمشی‌گذاری را کشف می‌کند (مثلاً قضات بر مجازات تأکید دارند اما پلیس بر اقدامات پیشگیرانه). برخلاف رجبی (۱۴۰۰) که صرفاً به وظایف پلیس اشاره کرده‌است، پژوهش حاضر موانع همکاری عملی قضات و پلیس (مثل تفاوت در اولویت‌ها، ضعف در تبادل اطلاعات) را بررسی می‌کند. درحالی‌که لووسکی (۲۰۲۱) به تعامل پلیس و قضات در آمریکا پرداخته‌است، پژوهش حاضر الگوی بومی تعامل این دو نهاد در ایران را تحلیل می‌کند و پیشنهادهایی برای بهبود هماهنگی ارائه می‌دهد. پژوهش‌هایی مثل رزاقی و خالقی (۱۳۹۴) سرقت‌های خرد را بررسی کردند اما پژوهش حاضر تمایز میان خطمشی قضایی (مجازات‌محور) و انتظامی (پیشگیرانه) در برخورد با سرقت را تحلیل می‌کند. به‌طور کلی، رویکرد اصلی پژوهش حاضر، بر خطمشی‌گذاری شبکه‌ای و تعاملی متمرکز استوار است و عمده پژوهش‌های بیان‌شده فقط از یک بعد و نگاه نهادی به موضوع جرم پرداخته‌اند.

مبانی نظری

از بین جرایم علیه اموال، سرقت یکی از مهم‌ترین جرم‌های آسیب‌زننده به نظم و امنیت اجتماعی و عمومی است که در نحوه زندگانی شهروندان، عملکرد هزینه‌ای نهادها و سازمان‌ها نظیر خانواده‌ها، کلانتری‌ها، پلیس، زندان و شرایط ساختاری جامعه تأثیر دارد. وقوع سرقت توسط فرد یا افراد در اشکال متنوع خود در ساختارهای جامعه، هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌کند و مسائل مختلف اجتماعی را به‌همراه دارد که از آن جمله، تأثیرات اقتصادی برای قربانیان است که باعث به‌هم‌ریختگی آسایش و امنیت فردی و عمومی می‌شود

(پوسیک^۱ و همکاران، ۲۰۱۲: ۸۳). سرقت از مسئله‌های است که هم‌زمان تهدیدکننده امنیت جانی و مالی اعضای جامعه است. سارق با ارتکاب به سرقت سعی دارد که وضعیت خود را با تجاوز به اموال دیگری بهبود ببخشد. ایجاد حس تهدید مالی و جانی در افراد جامعه، ضمن آنکه تا حدود زیادی، انگیزه آنها را برای تلاش و کسب دارایی و ثروت مشروع تضعیف می‌کند، تسهیلگر هرج و مرج در روابط اجتماعی و تزلزل در بنیان‌های نظم عمومی و تقویت بی‌سازمانی اجتماعی نیز است (بیانلو، ۱۳۹۰: ۱۳۱). سیگل^۲ گونه‌شناسی سرقت را به این صورت معرفی کرده‌است: سرقت در فضای باز، سرقت تجاری، سرقت از ساختمان‌های خصوصی، سرقت پس‌از ارتباط کوتاه اولیه، سرقت پس‌از ارتباط طولانی بین قربانی و مجرم، ماشین ربایی (سیگل، ۲۰۰۶: ۳۲۱).

نظریه فضای قابل دفاع: نیومان^۳ (۱۹۷۳) در نظریه فضای قابل دفاع بر این نکته تأکید داشت که طراحی و شکل فیزیکی با جرم ارتباط معناداری دارد. اصطلاح فضای قابل دفاع بیان‌کننده نوعی از فضا و محیط است که در آن طراحی به نحوی انجام پذیرفته‌است که به ساکنان، به‌عنوان فردی مسئول در محله، اجازه می‌دهد و حتی آنها را تشویق می‌کند که دیده شوند و دیگران را نیز ببینند و بر اعمال و رفتار آنها نظارت داشته‌باشند (مای هیوب^۴، ۱۹۸۶: ۱۹). عوامل متعددی در وقوع و گسترش خشونت مؤثر هستند و یکی از این عوامل، فضاهای بی‌دفاع شهری یا جرم‌خیز است. فضاهای بی‌دفاع یا جرم‌خیز دارای ویژگی‌های بسیاری هستند که در دودسته فیزیکی و اجتماعی قابل تفکیک است و سبب مستعدسازی فضاها برای وقوع خشونت می‌شوند. از دیدگاه طراحان شهری و معماران، ویژگی‌های فیزیکی و از دید نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی و روانشناسی، ویژگی‌های اجتماعی بیشتر در مستعدسازی فضاها برای وقوع خشونت نقش دارند (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۹۰). فعالیت‌های نیومن تلاشی برای کاهش ارتکاب جرم و ترس ناشی از آن، از طریق

1. Posick

2. Seagull

3. Newman

4. Mayhehwb

کاهش فرصت ارتکاب جرم و تقویت تعامل اجتماعی مثبت در میان ساکنان است. مناطقی که در آنها فضای قابل‌دفاع وجود ندارد یا کمتر است، در برابر جرم آسیب‌پذیرتر تلقی می‌شوند و حس مالکیت در ساکنان ضعیف است. در مناطق کوچک‌تر، فضای قابل‌دفاع، اثربخشی واپایش غیررسمی را افزایش داده و درنتیجه، احتمال وقوع جرم کمتر خواهد بود (موری^۱، ۱۹۹۴).

نظریه پنجره‌های شکسته: نظریه پنجره‌های شکسته که در سال ۱۹۸۲ توسط ویلسون^۲ و کلینگ^۳ مطرح شد، بیان می‌دارد که زوال محله و عدم نگهداری از آن می‌تواند بر رفتار افراد تأثیرگذار باشد. در این نظریه، رفتارهای ناهنجار، به ترس از جرم، احتمال وقوع جرایم جدی و به‌هم‌ریختگی محله‌های شهری مرتبط می‌شوند. از این نظریه به‌عنوان نمونه‌ای برای اهمیت دیدگاه‌های اجتماعی در سیاست‌گذاری‌ها استفاده می‌شود. ویلسون و کلینگ بهترین روش برای مقابله با جرایم را از بین بردن و پیشگیری از به‌هم‌ریختگی می‌دانند. آنها از مثال پنجره شکسته استفاده کردند تا نشان دهند که چگونه یک محله در صورت عدم رسیدگی به آن دچار انحطاط می‌شود؛ اگر پنجره‌های یک ساختمان شکسته باشد، افراد عابر احساس می‌کنند که کسی در آن ساختمان وجود ندارد و به آن رسیدگی نمی‌کنند، جوان‌ها به پرتاب سنگ به سایر پنجره‌های آن ساختمان می‌پردازند، افراد عابر احساس می‌کنند به تمام آن خیابان رسیدگی نمی‌شود، قاچاقی‌های مواد مخدر، روسپی‌ها و امثال آنها به این خیابان جذب می‌شوند و سرانجام یک نفر در این خیابان به قتل می‌رسد. به این ترتیب، یک ناهنجاری کوچک منجر به ناهنجاری‌های بزرگ‌تر و جرم‌های جدی خواهد شد. نظریه اختلال محلی که این دو نظریه‌پرداز بدان اشاره دارند، به عبارتی، روی دیگر نظم است؛ نظمی که در این نظریه از آن صحبت می‌شود، در سطح اجتماعی محلی یا محله است. به بیان دیگر، هر نوع تغییر و جابه‌جایی در عناصر محلی (عناصر انسانی و عناصر فیزیکی) که به‌طور مشخص نظم حاکم در آن موقعیت را برهم زند، به‌شکلی موجبات بروز ارتکاب جرم را افزایش

1. Murry

2. Wilson

3. Kelling

خواهد داد؛ زیرا این عناصر محل به صورت بالقوه امکان ارتکاب خلاف را در خود جای داده و یا به وجود می‌آورند. این نظریه، درواقع، بیانگر تأثیر محیط بر روی کنش‌های انسانی است (عباسی‌ورکی، ۱۳۸۷).

نظریه زیست‌بوم: نظریه زیست‌بوم جنایی در مکتب «شیکاگو» توسط جامعه‌شناسانی مانند پارک^۱ و برگس مطرح شد (بیانلو و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۵) و یکی از مهم‌ترین نظریاتی است که به بررسی علل وقوع جرم می‌پردازد، بر تأثیرات محیط شهری بر رفتارهای مجرمانه تمرکز دارد، مکان‌های مختلف شهری را مورد بررسی قرار می‌دهد و برخی از نواحی شهری را جرم‌خیزتر می‌داند. نظریه زیست‌بوم جنایی به تأثیرات محیطی و کالبدی شهر در پیدایش نوع رفتار، پراکندگی گروه‌های قومی، فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهر توجه دارد و در سیر تکوینی خود می‌کوشد تا اصول و ویژگی‌های مکانی مؤثر در شکل‌گیری ناهنجاری در حوزه‌های شهری را تبیین کند. جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو از آغاز قرن بیستم، برخی از رفتارهای انحرافی مانند خودکشی، طلاق و فحشا را در شهر شیکاگو با هدف درک تأثیر عوامل جمعیت‌شناختی (مانند سن، خانوار، تراکم و مهاجرت) و عوامل بوم‌شناختی (مانند قومیت، نژاد و محل سکونت) مطالعه کرده‌اند. پارک معتقد است که نواحی شهری از پیشرفت و بهبود انگیزه‌های ساکنان جلوگیری کرده و باعث رواج انحرافات اجتماعی می‌شود و سازمان فیزیکی شهر تأثیر عمیقی بر الگوهای فرهنگی اجتماعی زندگی شهری برجای می‌گذارد. یکی از پیش‌فرض‌های اصلی پارک و برگس این است که آن دسته از حوزه‌های درون‌شهری تجاری و صنعتی که به لحاظ اجتماعی دچار بی‌سازمانی اجتماعی شده‌اند، ارزش‌ها و سنت‌های بزهکارانه و جنایی را توسعه می‌دهند (بیانلو و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۵).

پیشگامان مکتب زیست‌بوم جنایی همه مسائل اجتماعی از جمله میزان جرایم را در تفاوت‌ها و خصیصه‌های مکانی جستجو می‌کنند؛ مثلاً نقاط گردشگری و تفریحی درون شهرها و مکان‌های پر ازدحام نسبت به نقاط آرام

جرمزایی بیشتری دارند (نوربها، ۱۳۹۲). نظریه زیست‌بوم جنایی توسط جرم‌شناسان بعدی در بررسی نواحی جرم‌خیز و علت آن مورد مطالعه قرار گرفت. کلیفورد شاو^۱ از جمله کسانی بود که از نظریه پارک در مورد علل بزهکاری اطفال و نوجوانان در شیکاگو استفاده نمود. وی در بررسی مسائل بزهکاری اطفال و نوجوانان به بررسی محله‌ها پرداخت و از این پژوهش نتایجی به دست آورد که از جمله آنها می‌توان به دو نتیجه مهم اشاره نمود: اول اینکه، محله‌های نواحی صنعتی یا بازرگانی و یا محله‌های چسبیده به این نواحی، دارای بالاترین نرخ‌های بزهکاری هستند و دوم اینکه، میزان بالای بزه در مناطق خاص به دلیل نژاد، قومیت یا مهاجرت افراد ساکن در آن نیست بلکه همواره و با هر ترکیب جمعیتی در آن مناطق، نرخ یکنواختی از جرم در آن منطقه‌ها وجود دارد و شاید بالابودن نرخ جرم در میان دسته خاصی مثل سیاه‌پوستان به دلیل الگوی توزیع مکانی آنها باشد که در مناطق جرم‌خیز وجود دارند و دلیل آن نیز قدرت اقتصادی پایین این دسته از افراد است که ناچار به زندگی در این مناطق هستند (مایهوب، ۱۹۸۶: ۱۱۹).

روش‌شناسی

رویکرد کلی پژوهش حاضر، کیفی و ازلحاظ هدف، کاربردی است و راهبرد پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن، تحلیل مضمونی است. مضامین و داده‌ها از صاحب‌با خبرگان و کارشناسان فرماندهی انتظامی یزد و قوه قضایی جمع‌آوری شده است. معیار انتخاب خبرگان بر اساس تجربه زیسته، تخصص علمی و شغل و نقش عملی است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است؛ بدین معنی که علاوه بر سؤالات مصاحبه، طبق روند مصاحبه، خرده سؤالاتی نیز برای رسیدن به عمق موضوع پرسیده شد و مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه پیدا کرد که محقق به اشباع نظری رسید و مصاحبه‌های جدید چیزی به مطالب پژوهش نیفزود. همچنین، مصاحبه با ۲۳

1. Clifford Robe Shaw (1895 – 1957)

نفر از افراد انجام شد (۱۱ نفر از فراجا و ۱۲ نفر از قوه قضاییه) و مدت زمان مصاحبه‌ها بین ۴۲ دقیقه تا یک ساعت و ۶۵ دقیقه به طول انجامید.

جدول ۱. سیمای مشارکت‌کنندگان در پژوهش

مدرک	سن خدمتی	سمت	سازمان
کارشناسی ارشد	۲۵	رئیس پلیس آگاهی	فراجا
کارشناسی	۲۰	رئیس پلیس پیشگیری	فراجا
کارشناسی ارشد	۳۰	فرمانده انتظامی	فراجا
کارشناسی	۲۰	رئیس کلانتری	فراجا
کارشناسی ارشد	۲۳	رئیس پلیس فتا	فراجا
کارشناسی ارشد	۲۶	معاون عملیات	فراجا
کارشناسی ارشد	۲۵	رئیس پلیس اطلاعات	فراجا
کارشناسی ارشد	۲۸	جانشین فرمانده انتظامی استان	فراجا
کارشناسی	۱۹	رئیس کلانتری	فراجا
کارشناسی	متغیر	سایر نفراتی که با سارقان در ارتباط بوده‌اند	فراجا
کارشناسی ارشد	۳۵	مدیرکل دادگستری	قوه قضاییه
کارشناسی	۲۷	معاون دادستان	قوه قضاییه
کارشناسی	۸	دادیار	قوه قضاییه
کارشناسی ارشد	۳۰	دادستان	قوه قضاییه
کارشناسی	۲۰	معاون دادستان	قوه قضاییه
کارشناسی	۱۵	بازپرس	قوه قضاییه
کارشناسی	۱۰	دادیار	قوه قضاییه
کارشناسی ارشد	۲۵	قضات دادگستری	قوه قضاییه
کارشناسی ارشد	۳۰	قضات تجدیدنظر	قوه قضاییه
کارشناسی ارشد	۱۵	وکلا	قوه قضاییه
کارشناسی ارشد	۱۵	نمایندگان حقوقی	قوه قضاییه
دکتری	۱۹	معاون دادستان	قوه قضاییه
کارشناسی	۷	دادیار	قوه قضاییه

برای افزایش اعتبار داده‌ها بعد از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و کدگذاری آنها از روش بازخورد مشارکت‌کننده^۱ استفاده شد؛ به این معنی که بعد از گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، کدگذاری‌ها در اختیار تعدادی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش قرار گرفت تا در مورد صحت اطلاعات موردنظر، اظهارنظر نمایند و آنها را تأیید کنند. همچنین، در جای جای توضیح کدگذاری‌ها نیز برای افزایش اعتبار پژوهش، از گفته‌های مشارکت‌کنندگان به عنوان شاهد در پژوهش استفاده شد تا اعتبار پژوهش افزایش یابد و به عنوان گواهی بر صحبت‌های محققین باشد.

در این تحقیق، ملاحظات اخلاقی همچون پیشگیری از آسیب قانونی، رضایت آگاهانه، رعایت حریم شخصی، حفظ گمنامی و رازداری موردتوجه قرار گرفت و به مصاحبه‌شوندگان اطمینان داده شد که گفته‌های آنها سبب به وجود آمدن مسئله‌ای برای آنان نشود. بدین منظور، تنها با کسانی مصاحبه انجام شد که رضایت کامل برای مصاحبه داشته و اطلاعاتی نظیر موضوع پژوهش، هدف، شیوه انجام تحقیق، تضمین گمنامی و رازداری و نحوه گزارش پژوهش نیز در اختیار آنها قرار داده شد. برای حفظ معیار گمنامی، از اسامی مستعار استفاده شد و برای حفظ معیار رازداری، از انتشار اطلاعات خصوصی مشارکت‌کنندگان جلوگیری شد.

یافته‌ها

مضامین خط‌مشی قضایی و انتظامی در مواجهه با جرم سرقت در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. مضامین خط‌مشی انتظامی در مواجهه با جرم سرقت

کد مصاحبه‌شونده	گزاره‌ها	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۱	چند سالی است که خطی‌مشی انتظامی به‌سوی کشف بیشتر جرم سرقت و دستگیری سارقین و اطلاع‌رسانی در این خصوص رفته‌است؛ به‌طوری‌که	اهمیت کشف کمی جرم	تلاش برای کشف جرم	پیشگیری فعال

کد مصاحبه‌شونده	گزاره‌ها	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
	کشف بیشتر سرقت برای مأمورین صف امتیاز محسوب می‌شود.			
۱۲	از طرف مقابل، فرماندهان واحدهای انتظامی می‌بایست برای کاهش آمار سرقت اقدام کنند که سبب می‌شود هم فشار بر روی نیروهای صف افزایش یابد و هم بسیاری از موضوعات به‌جای سرقت تحت عناوین دیگری ثبت شود (مانند اختلاف حساب) تا بدین طریق، آمار سرقت کاهش یابد؛ اما برای این کار همکاری قضایی لازم است.	فشار مضاعف سازمانی		
۲۳	فراجا به عبارتی کلانتری و پاسگاه و همچنین، پلیس آگاهی به‌عنوان ابتدایی‌ترین مرجع رسیدگی و جواب‌گویی به جرم، اهمیت و توجه ویژه‌ای به این موضوع دارد و یکی از شاخص‌های اساسی در کارنامه یگانی و کارکنان به‌ویژه مدیران، مهار وقوع جرم سرقت است که خط‌مشی انتظامی نیز از این مهم تأثیر زیادی گرفته‌است.	مهار وقوع سرقت		
۳	درحالی‌که خط‌مشی انتظامی بر پیشگیری و کشف جرم در مراحل اولیه و دستگیری مجرمان تمرکز دارد. همکاری مؤثر بین این دو نهاد می‌تواند به کاهش جرم سرقت کمک کند.	کشف جرم و دستگیری مجرمان		
۸	برای مقایسه خط‌مشی‌های قضایی و انتظامی در مواجهه با جرم سرقت، باید به نقش و اقدامات هریک از این نهادها در فرایند کشف، تعقیب و مجازات سارقان توجه کرد. فراجا نقش اصلی را در شناسایی و دستگیری سارقان برعهده دارد.	شناسایی و دستگیری	خط‌مشی عمل‌گرای انتظامی	
۱۱	درواقع پلیس سریع‌تر و عملی‌تر عمل می‌کند.	برخورد سریع پلیس		
۲۰	برخورد پلیس دستگیری مجرمین و مظنونین و جلوگیری از آزاد شدن اینها است و همچنین، رصد کنترل و پایش این مجرمان است.	کنترل و پایش مجرمان		
۱۸	محدود کردن سارقین، دستگیری سارقین، مظنون گیری، توقیف وسایل و آلات دخیل در امر سرقت، کنترل مجرمین سابقه‌دار، تأکید بر چهره‌زنی، شم	کنترل همه‌جانبه مجرمان		

کد مصاحبه‌شونده	گزاره‌ها	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
	پلیسی و برخورد قاطع با سارقین نمونه‌هایی از خطمشی‌های انتظامی هستند.			
۱۴	این خطمشی شامل اقداماتی مانند گشت‌زنی و کنترل تردد، جمع‌آوری اطلاعات، تعقیب و گریز، بازداشت و تحقیقات است.	شناسایی و بازداشت مجرم		
۲۱	فراجا خطمشی‌های خود را به‌صورت مرحله ۱: دریافت گزارش مرحله ۲: اعزام تیم مرحله ۳: بررسی صحنه جرم مرحله ۴: مصاحبه با شاهدان مرحله ۵: تا دستگیری تحقیقات ۶: دستگیری مظنونین ۷: تشکیل پرونده ۸: همکاری با دادگاه ۹: اجرای حکم انجام می‌دهد.	مجرم		
۱۳	خطمشی انتظامی با تمرکز بر شناسایی و دستگیری مجرمان، اقداماتی مانند جمع‌آوری اطلاعات، تعقیب و گریز، بازداشت و مانند آن را انجام می‌دهد.	شناسایی و دستگیری مجرمان		
۵	در مقابل، خطمشی انتظامی بر پیشگیری وقوع جرم از طریق اقدامات امنیتی و انتظامی افزایش گشت‌ها، نظارت بر مناطق مستعد سرقت و مانند آن متمرکز است. ترکیب این دو رویکرد می‌تواند در کاهش جرایم سرقت اثربخشی بیشتری داشته باشد.	اقدامات امنیتی پیشگیرانه		
۶	خطمشی‌های انتظامی بیشتر بر اساس پیشگیری و مقابله فوری تمرکز دارند. مقایسه این دو می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف هر یک کمک کند.	پیشگیری و مقابله		
۷	درحالی‌که خطمشی‌های انتظامی بر پیشگیری و کشف جرم تأکید می‌کنند، هر دو می‌توانند در کنار هم به کاهش جرم سرقت کمک کنند.	پیشگیری و کشف جرم	اقدامات پیشگیرانه و کنترلی	
۲	خطمشی انتظامی بر پیشگیری از وقوع سرقت متمرکز است.	پیشگیری از وقوع سرقت		
۱۱	خطمشی انتظامی بر پیشگیری و کاهش وقوع جرم تمرکز دارد.	پیشگیری وقوع جرم		
۱۰	برای پلیس برنامه‌های پیشگیری و آموزشی را اولویت می‌دهد.	اولویت پیشگیری و آموزش		
۱۲	خطمشی انتظامی بر اساس اقدامات پیشگیرانه و کنترلی پلیس و نهادهای انتظامی شکل می‌گیرد.	اقدامات پیشگیرانه و		

کد مصاحبه‌شونده	گزاره‌ها	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
		کنترلی پلیس		
۱۳	خط‌مشی انتظامی با تمرکز بر پیشگیری از وقوع جرم، اقداماتی مانند گشت‌زنی، آموزش شهروندان، کنترل تردد و مانند آن را انجام می‌دهد.	اقدامات گشت‌زنی و کنترل پلیس		
۹	در خط‌مشی انتظامی پیشگیری از وقوع جرم و دستگیری سارقان و کشف اموال و احقاق حق عموم مورد تأکید است.	پیشگیری و کنترل جرم		
۲	خط‌مشی قضایی بر مجازات مرتکبان سرقت تأکید دارد.	مجازات مجرمان		
۵	نقاط قوت خط‌مشی قضایی شامل اعمال عدالت و تنبیه مجرمان است.	اعمال عدالت و تنبیه مجرمان		
۲۱	خط‌مشی قضایی در مواجهه با جرم سرقت، معطوف به اعمال مجازات قانونی و اصلاح و تربیت مجرمان است.	مجازات اصلاحی و قانونی		
۶	این رویکرد بر پیشگیری از وقوع جرم و بازدارندگی از طریق تشدید مجازات تأکید دارد.	بازدارندگی از طریق تشدید مجازات		
۱۶	خط‌مشی قضایی بیشتر بر بازپروری مجرمان و اجرای عدالت تأکید دارد.	بازپروری مجرمان و اجرای عدالت	دید اصلاحی	جرم‌زدایی اصلاح‌گر
۱۳	در مقابل، خط‌مشی قضایی با تمرکز بر مجازات مجرمان، به دنبال بازدارندگی از ارتکاب مجدد جرم است.	نگاه بازدارنده		
۱۴	خط‌مشی قضایی و انتظامی در مقابله با جرم سرقت، هر دو هدف مشترکی دارند: کاهش جرم و حفظ امنیت جامعه. خط‌مشی قضایی بر مجازات مجرمان و بازدارندگی از ارتکاب مجدد جرم تمرکز دارد. این خط‌مشی شامل اقداماتی مانند رسیدگی به پرونده‌های سرقت، صدور احکام قضایی، تعیین مجازات، تعیین ضمانت و تعیین خسارت است.	مجازات مجرمان		

کد مصاحبه‌شونده	گزاره‌ها	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۷	خطمشی‌های قضایی بیشتر بر رسیدگی و صدور حکم تمرکز دارند.	رسیدگی و صدور حکم		
۸	درحالی‌که قوه قضاییه وظیفه رسیدگی به پرونده، محاکمه و صدور حکم را برعهده دارد، هر دو نهاد در اجرای وظایف خود به‌درستی عمل نمی‌کنند؛ چون منابع خوبی در اختیار ندارند.	رسیدگی به پرونده مجرمان		
۱	خطمشی قضایی نیز با تمرکز بر رسیدگی به پرونده‌های سرقت، اقداماتی مانند صدور حکم، تعیین مجازات و مانند آن را انجام می‌دهد.	رسیدگی به پرونده‌های جرم		
۲۱	مراحل عملکرد قوه قضاییه: مرحله ۱: دریافت پرونده مرحله ۲: تشکیل دادگاه؛ مرحله ۳: رسیدگی به پرونده مرحله ۴: صدور حکم مرحله ۵: اجرای حکم مرحله ۶: نظارت بر اجرای حکم؛ مرحله ۷: بسته شدن پرونده. می‌توان دید که در بعضی از این مراحل این دو باهم همکار هستند.	اقدامات تشکیل پرونده تا اجرای حکم		
۲۲	مرحله ۱: دریافت گزارش؛ خطمشی قضایی گزارش را بررسی می‌کند و شواهد و مدارک را ارزیابی می‌کند. مرحله ۲: تعیین نوع سرقت: خطمشی قضایی نوع سرقت را تعیین می‌کند (مانند سرقت از مغازه، سرقت از خانه، سرقت از بانک و مانند آن). خطمشی قضایی شدت سرقت را ارزیابی می‌کند (مانند سرقت با خشونت، سرقت با تهدید و غیره). مرحله ۳: تعیین مجازات: خطمشی قضایی مجازات مناسب را برای مظنونین تعیین می‌کند. خطمشی قضایی مجازات را بر اساس شدت سرقت، نوع سرقت و سایر عوامل تعیین می‌کند. مرحله ۴: تشکیل دادگاه: خطمشی قضایی دادگاه را تشکیل می‌دهد و قاضی را تعیین می‌کند. خطمشی قضایی از طرفین دعوا می‌خواهد که در دادگاه حاضر شوند. مرحله ۵: رسیدگی به پرونده: خطمشی قضایی به پرونده رسیدگی می‌کند و شواهد و مدارک را بررسی می‌کند. خطمشی قضایی از طرفین دعوا و شاهدان می‌خواهد که شهادت دهند. مرحله ۶: صدور حکم: خطمشی	بررسی گزارش تا اجرای حکم	عدالت‌محوری قضایی	

کد مصاحبه‌شونده	گزاره‌ها	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
	قضایی حکم را صادر می‌کند و آن را به طرفین دعوا اعلام می‌کند. خط‌مشی قضایی حکم را به پلیس ارسال می‌کند تا آن را اجرا کند. مرحله ۷: اجرای حکم: خط‌مشی قضایی از پلیس می‌خواهد که حکم را اجرا کند. خط‌مشی قضایی از پلیس می‌خواهد که مظنونین را به زندان منتقل کند. مرحله ۸: نظارت بر اجرای حکم: خط‌مشی قضایی بر اجرای حکم نظارت می‌کند و از پلیس می‌خواهد که گزارش دهد. خط‌مشی قضایی از پلیس می‌خواهد که در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر، با خط‌مشی قضایی تماس بگیرد. مرحله ۹: بسته‌شدن پرونده: خط‌مشی قضایی پرونده را بسته و آن را به بایگانی منتقل می‌کند. خط‌مشی قضایی از طرفین دعوا می‌خواهد که در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر، با خط‌مشی قضایی تماس بگیرند.			
۲۰	سرقت همیشه از ابتدای خلقت بشر وجود داشته‌است و نهادهای مختلفی برای مبارزه با سرقت به وجود آمده‌اند. در حال حاضر، بر طبق قانون قوه قضاییه و فراجا مسئولیت مواجهه با سرقت را برعهده دارند که هر دو نهاد اولویت‌های خاصی را در این خصوص برای خود مشخص نموده‌اند؛ برای مثال، در قوه قضاییه حبس‌زدایی، کم کردن پرونده‌ها و بازپروری مجرمان و اجرای عدالت به‌طور مستمر مدنظر است.	کاهش میزان سرقت با اجرای عدالت		
۱۱	در خط‌مشی قضایی بر رعایت حقوق شهروندی، زندان‌زدایی، ابتدا جمع مدارک، عدم توقیف خودرو، آزادی و براءت متهم تأکید دارند.	رعایت حقوق شهروندی		
۲۲	در خط‌مشی قضایی بر جرم سرقت برگرفته از قوانین و مقررات حقوق شهروندی، رعایت آیین دادرسی با تأکید بر رعایت قانون اساس و زندان‌زدایی مدنی تأکید دارند.	رعایت قانون دادرسی		
۳	خط‌مشی قضایی بیشتر بر اساس قوانین و مقررات موجود و با توجه به مستندات و شواهد ارائه‌شده توسط نهادهای انتظامی عمل می‌کند.	خط‌مشی قانونی	برخورد قانون‌محور	
۶	خط‌مشی‌های قضایی بیشتر بر اساس قوانین و	تأکید بر		

کد مصاحبه‌شونده	گزاره‌ها	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
	آئین‌نامه‌ها استوار است.	آیین‌نامه‌ها		
۱۲	خطمشی قضائی بیشتر بر اساس قوانین و مقررات موجود و نحوه اجرای آنها توسط قوه قضائیه است.	توجه به قوانین و مقررات		
۱۷	تحقیق‌ها نشان می‌دهند که عواملی مانند حکمرانی شبکه‌ای قضائی، سیاست‌های اجرا، شهروندان، ویژگی‌های شخصی قضات، ساختار اجرا، بازیگران اجرا، توانمندسازی کارکنان و مبانی فرهنگی و دینی در اجرای خطمشی‌های قضائی نقش مؤثری دارند.	خطمشی سازمانی		
۳	نقاط ضعف آن می‌تواند طولانی‌بودن فرایند قضایی و تحمیل هزینه‌های زیاد به جامعه باشد.	طولانی و هزینه‌بر بودن فرایند قضا	ضعف‌های سازمانی	ناکارآمدی شبکه همکاری
۱۷	قوه قضائیه به منابع انسانی و مشاوره حقوقی نیاز دارد.	نیازمند منابع انسانی و مشاوره		
۱۱	قوه قضائیه کمتر بر پیشگیری تأکید می‌کند.	تأکید ناچیز بر پیشگیری		
۱	دستگاه قضایی می‌بایست پس از دستگیری سارق، برخوردی عبرت‌آموز با وی نماید تا دیگر به سمت سرقت نرود؛ اما طی سال‌های اخیر، خطمشی دستگاه قضایی به سمت مدارا با متهمان (گاه سابقه‌دار) رفته است.	مدارا با مجرمین	مدارامحوری	
۴	مدارا باعث می‌شود که متهمان به محض دستگیری، با صدور قرار تأمین مجدداً به جامعه بازگردند و برای جبران مالی شاکی قبلی، دست به سرقت جدید بزنند.	بازگشت به سرقت		

خطمشی‌های انتظامی

الف. تلاش برای کشف جرم: با توجه به یافته‌های پژوهش، خطمشی فراجا در مواجهه با جرم سرقت متفاوت از خطمشی سازمان قضایی است. برای فراجا کشف هرچه بیشتر جرم اهمیت دارد و هرچقدر بتواند جرم‌های بیشتری را کشف کند، عملکرد خود را بهتر ارزیابی می‌کند؛ اما این

مسئله فشار سازمانی بیشتری بر نیروها وارد می‌کند، زیرا آنها باید برای کاهش جرم سرقت تلاش کنند؛ از آن جهت که خطمشی پلیس، مهار وقوع جرم است زیرا آنها ابتدایی‌ترین مرجع رسیدگی و پاسخ‌گویی به جرم هستند؛ در نتیجه، فراجا تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا جرایم را کشف کند. در واقع، ابتدا باید جرایم کشف شوند تا در مرحله بعد بتوان نسبت به حل آنها اقدام کرد. این مسائل با مضمون فرعی تلاش برای کشف جرم مطرح شده است.

پاسخ‌گوی شماره ۱۹: فراجا به عبارتی کلانتری و پاسگاه و همچنین، پلیس آگاهی به عنوان ابتدایی‌ترین مرجع رسیدگی و جواب‌گویی به جرم، اهمیت و توجه ویژه‌ای به این موضوع داشته و یکی از شاخص‌های اساسی در کارنامه یگانی و کارکنان به‌ویژه مدیران مهار وقوع جرم سرقت می‌باشد؛ که خطمشی انتظامی نیز از این مهم تأثیر زیادی گرفته است.

ب. خطمشی عمل‌گرای انتظامی: خطمشی انتظامی به دنبال کشف جرم و دستگیری مجرمان است. این نهاد در فرایند کشف، تعقیب و مجازات سارقان درگیر است و برای این کار، ابتدا بحث شناسایی آنها را انجام می‌دهد و برخورد آن سریع است. در واقع کنترل و پایش مجرمان وظیفه فراجا است و در این راستا، از مراحل ابتدایی شناسایی مجرمان تا دستگیری و بازداشت آنها را انجام می‌دهد تا نظم و امنیت را در سطح جامعه ایجاد کند. این مسائل با مضمون خطمشی عمل‌گرای انتظامی مشخص شد.

پاسخ‌گوی شماره ۱۲: فراجا خطمشی‌های خود را به صورت مراحل زیر انجام می‌دهد: ۱: دریافت گزارش؛ ۲: اعزام تیم؛ ۳: بررسی صحنه جرم؛ ۴: مصاحبه با شاهدان؛ ۵: تحقیقات؛ ۶: دستگیری مظنونین؛ ۷: تشکیل پرونده؛ ۸: همکاری با دادگاه؛ ۹: اجرای حکم.

ج. اقدامات پیشگیرانه و کنترلی: یکی دیگر از وظایف فراجا، بحث اقدامات پیشگیرانه آنها است. آنها با فعالیتهایی مانند افزایش گشت‌زنی و نظارت بر مناطق مستعد با بروز سرقت مقابله می‌کنند. درواقع، رویکرد آنها ابتدا پیشگیری از وقوع جرم و در مرحله بعد، مقابله با آن است. تمرکز آنها بر همه جرم‌ها است و یکی از این جرم‌ها سرقت است. درواقع، اولویت اول پلیس، پیشگیری و آموزش می‌باشد؛ زیرا وقوع هر نوع جرمی از جمله سرقت می‌تواند آرامش روانی شهروندان را برهم زده و در نتیجه، حل این مشکلات اولویت فراجا است که با مضمون فرعی اقدامات پیشگیرانه و کنترلی مطرح شده است.

پاسخ‌گوی شماره ۱۳: خط‌مشی انتظامی با تمرکز بر پیشگیری از وقوع جرم، اقداماتی مانند گشت‌زنی، آموزش شهروندان، کنترل تردد و مانند آن را انجام می‌دهد.

خط‌مشی‌های قضایی

الف. دید اصلاحی: یکی از مسائلی که جزو رویکردهای قوه قضاییه است، مسائل مربوط به پس از وقوع جرم است. درواقع، قوه قضاییه تکمیل‌کننده فعالیت فراجا است. فعالیت قوه قضا بر مجازات مجرمان متمرکز است و وظیفه آن، ایجاد عدالت در سطح جامعه و تنبیه مجرمان است تا علاوه بر اینکه درس عبرتی برای دیگر افراد شود، از تکرار مجدد جرم توسط آنها جلوگیری کند، مجازات آنها قانونی و اصلاحی باشد و موجب بازدارندگی شود. همچنین، تمرکز آنها بر بازپروری و اصلاح مجرمان متمرکز است و نگاه آنها بازدارنده است که با مضمون دید اصلاحی مطرح شده است.

پاسخ‌گوی شماره ۱۴: خط‌مشی قضایی بر مجازات مجرمان و بازدارندگی از ارتکاب مجدد جرم تمرکز دارد. این خط‌مشی شامل اقداماتی مانند رسیدگی به پرونده‌های سرقت، صدور احکام قضایی، تعیین مجازات، تعیین ضمانت و تعیین خسارت است.

ب. عدالت محوری قضایی: یکی دیگر از وظایف سازمان قضا، بحث ایجاد عدالت در سطح جامعه است تا از بروز جرم و جنایت در سطح جامعه جلوگیری شود. آنها به جرم و پرنده افراد رسیدگی می کنند و تا مرحله صدور حکم پیش می روند. این فعالیت ها با محاکمه و تعیین میزان مجازات و صدور حکم انجام می گیرد و عبارت اند از دریافت پرونده، تشکیل دادگاه، رسیدگی به پرونده، صدور حکم و اجرای حکم. درواقع، با اجرای عدالت توسط سازمان قضا، میزان سرقت کاهش می یابد و حقوق شهروندی نیز در تمام مراحل رسیدگی رعایت می گردد و به قانون دادرسی توجه می شود تا مبادا حق کسی تضییع گردد. این مسائل با مضمون عدالت محوری قضایی مطرح شده است.

پاسخگوی شماره ۸: در قوه قضاییه مراحل کار به این ترتیب است: ۱: دریافت پرونده؛ ۲: تشکیل دادگاه؛ ۳: رسیدگی به پرونده؛ ۴: صدور حکم؛ ۵: اجرای حکم؛ ۶: نظارت بر اجرای حکم؛ ۷: بسته شدن پرونده. می توان دید که در بعضی از این مراحل این دو باهم همکار هستند.

ج. برخورد قانون محور: با توجه به صحبت های مشارکت کنندگان در پژوهش، یکی از مسائلی که قوه قضاییه انجام می دهد، برخورد قانونی با مجرمان است، این نهاد بر اساس قوانین و مقررات موجود و با توجه به مستندات و شواهدی که فراجا یافته است، عمل می کند و خط مشی آن بیشتر بر اساس قوانین و آیین نامه ها است. درواقع، آنها تلاش می کنند تا خط مشی سازمانی حفظ گردد و عواملی از جمله حکمرانی شبکه ای قضائی، سیاست های اجرا، شهروندان، ویژگی های شخصی قضات، ساختار اجرا، بازیگران اجرا، توانمندسازی کارکنان و مبانی فرهنگی و دینی در اجرای خط مشی های قضائی نقش مؤثری دارند. این مسائل با مضمون فرعی برخورد قانون محور مطرح شده است.

پاسخگوی شماره ۱۷: تحقیق ها نشان می دهند که عواملی از جمله حکمرانی شبکه ای قضائی، سیاست های اجرا،

شهروندان، ویژگی‌های شخصی قضات، ساختار اجرا، بازیگران اجرا، توانمندسازی کارکنان و مبانی فرهنگی و دینی در اجرای خطمشی‌های قضائی نقش مؤثری دارند.

د. **ضعف‌های سازمانی:** با توجه به یافته‌های پژوهش، قوه قضاییه جدا از کارهای مثبتی که برای حل آسیب‌های اجتماعی انجام می‌دهد، دارای مشکلاتی نیز در حوزه فعالیت خود است که نیازمند اصلاح است. یکی از نقاط ضعف سازمان قضا، بحث طولانی و زمان‌بر بودن فرایند قضایی است. قوه قضاییه به منابع انسانی و مشاوران حقوقی بیشتری احتیاج دارد. این قوه بر امر پیشگیری تمرکز خاصی ندارد و کاری در این حیطه انجام نمی‌دهد بلکه بر مرحله بعد از پیشگیری و مجازات تمرکز دارد؛ اما فراجا بر پیشگیری متمرکز است. اگر قوه قضاییه در بحث پیشگیری نیز ورود کند و با آگاهی‌بخشی از بروز آسیب‌ها از جمله سرقت جلوگیری کند، مشکلات جامعه نیز کاهش می‌یابد. این مسائل با مضمون فرعی ضعف‌های سازمانی مطرح شده است.

پاسخگوی شماره ۹: از نقاط ضعف آن می‌تواند طولانی بودن فرآیند قضایی و تحمیل هزینه‌های زیاد به جامعه باشد.

هـ. **مدارامحوری:** یکی از مسائل مهمی که می‌تواند نقطه‌ضعفی برای سازمان قضا باشد، بحث رفتار مدارامنشانه با مجرمان است. در سال‌های اخیر، برخورد قوه قضا با متهمان سهل‌گیرانه‌تر شده و موجب شده است تا مجرمانی که دستگیر و سپس آزاد می‌شوند، دوباره به سمت جرم کشیده شوند و یا با صدور قرار تأمین مجدداً به جامعه بازگردند و برای جبران مالی شاکی قبلی، دست به سرقت مجدد بزنند که این مسائل باید رفع گردد. این امر با مضمون فرعی مدارامحوری مطرح شده است.

پاسخگوی شماره ۱: دستگاه قضایی می‌بایست پس از دستگیری سارق برخوردی عبرت‌آموز با وی نماید تا دیگر به سمت سرقت نرود، اما طی سال‌های اخیر، خطمشی

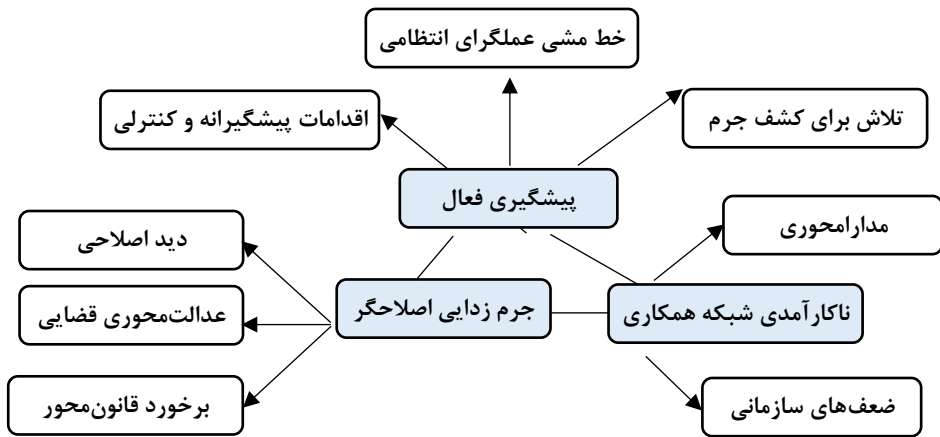
دستگاه قضایی به سمت مدارا با متهمان (گاه سابقه‌دار) رفته است.

مضامین فراگیر

الف. پیشگیری فعال: مضامین فرعی «تلاش برای کشف جرم، خط‌مشی عمل‌گرای انتظامی و اقدامات پیشگیرانه و کنترلی» در مضمون اصلی پیشگیری فعال احصا شده‌اند؛ بدین معنی که عملکرد فراجا برای برخورد با جرم سرقت و دیگر جرم‌ها، مبتنی بر پیشگیری است و تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا جرمی در سطح شهر اتفاق نیفتد؛ اما هرچقدر هم کنترل به شکل گسترده انجام شود، باز هم افراد مجرم در سطح جامعه وجود دارند. تلاش فراجا از پیشگیری جرایم شروع می‌کند و تا اقدام برای حل آنها و دستگیری مجرمان پیش می‌رود.

ب. جرم‌زدایی اصلاحگر: مضامین فرعی «دید اصلاحی، عدالت‌محوری قضایی و برخورد قانون‌محور» در مضمون اصلی جرم‌زدایی اصلاحگر جمع شدند؛ بدین معنی که رویکرد قوه قضاییه به دنبال برخورد با مجرمان و جرم‌زدایی اصلاحگر در جامعه است و در این راستا با برقراری عدالت به دنبال حل مشکلات و کاهش جرم است و با جرم‌زدایی اصلاحگر به دنبال ساخت جامعه‌ای مناسب برای زیست تمام شهروندان است.

ج. ناکارآمدی شبکه همکاری: با توجه به یافته‌های پژوهش، مضامین فرعی «ضعف‌های سازمانی و مدارا محوری» در مضمون نهایی ناکارآمدی شبکه همکاری مطرح شد. قوه قضاییه باید در کنار فعالیت‌های مثبت خود، ضعف‌ها و نقص‌هایی که وجود دارد را رفع نماید و زمان‌بر و هزینه‌بر بودن روند بررسی پرونده‌ها را کاهش دهد، منابع انسانی را افزایش داده و همچنین، قاطعیت خود را در برخورد با مجرمان بالا ببرد تا بتواند برای رفع جرایم به شکل بهتری عمل کند.



نمودار ۱. شبکه مضامین خط‌مشی قضایی و انتظامی در مواجهه با جرم سرقت

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال تحلیل مقایسه‌ای خط‌مشی قضایی و انتظامی در مواجهه با جرم سرقت است که با روش کیفی تحلیل مضمون انجام گرفت. در این پژوهش با تعداد ۲۳ نفر از کارکنان انتظامی و قضایی مصاحبه شد و نظرات آنها در مورد عملکرد قوه قضاییه در مواجهه با جرم سرقت مورد واکاوی قرار گرفت. بعد از کدگذاری داده‌ها، تعداد ۸ مضمون سازمان‌دهنده و ۳ مضمون فراگیر از نتایج پژوهش احصا شد و مضامین فراگیر نیز شامل پیشگیری فعال، جرم‌زدایی اصلاحگر، ناکارآمدی شبکه همکاری هستند. نتایج نشان داد که عملکرد فراجا برای برخورد با جرم سرقت و دیگر جرم‌ها، مبتنی بر پیشگیری است و تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا جرمی در سطح شهر اتفاق نیفتد؛ اما هرچقدر هم کنترل به شکل گسترده انجام شود، باز هم افراد مجرم در سطح جامعه وجود دارند. فراجا از مرحله پیشگیری جرایم شروع می‌کند و تا اقدام برای حل آنها و دستگیری مجرمان پیش می‌رود و این نتیجه با نتایج رجبی و افشاری (۱۴۰۰) هم‌سو بود. در نظریه شرم، گارتین و برگر نیز یک سلسله عناصر کالبدی، اجتماعی و اقتصادی موجب بروز جرم می‌شوند و مناطقی که این عناصر در آنها مشهود است، مکان‌های جرم‌خیز نام می‌گیرند. برخی از مناطق

شهری از قبیل حومه شهرها و یا بعضی از محله‌ها و خیابان‌ها و حتی خانه به محلی برای ارتکاب جرم تبدیل شده‌اند.

رویکرد قوه قضاییه، برخورد با مجرمان و جرم‌زدایی اصلاحگر در جامعه است و در این راستا با برقراری عدالت به دنبال حل مشکلات و کاهش جرم است و با جرم‌زدایی اصلاحگر به دنبال ساخت جامعه‌ای مناسب برای زیست تمام شهروندان است؛ این نتیجه با نتایج شاهنشاهی و کشوریان آزاد (۱۴۰۱) و واکر (۲۰۰۵) که تأکید دارد پلیس به عنوان یک نهاد اجرایی، وظیفه جمع‌آوری شواهد و ارجاع پرونده‌ها به سیستم قضایی را برعهده دارد در حالی که سیستم قضایی مسئولیت تأیید یا رد این شواهد و برقراری عدالت را برعهده دارد، هم‌راستا است. همچنین، قوه قضاییه باید در کنار فعالیت‌های مثبت خود، نسبت به رفع ضعف‌ها و نقص‌های موجود اقدام کند و زمان‌بر و هزینه‌بر بودن روند بررسی پرونده‌ها را کاهش دهد، منابع انسانی را افزایش داده و همچنین، قاطعیت خود را در برخورد با مجرمان افزایش دهد تا بتواند برای رفع جرایم به شکلی بهتر عمل کند و این نتیجه، با نتایج قاسمی‌عطایی و عباسلو (۱۳۹۳) در زمینه شفاف‌سازی قوانین و افزایش اختیارات قانونی پلیس نیز هم‌سو است.

نتایج حاکی از آن است که سازمان قضایی تمام تلاش خویش را به کار می‌گیرد تا روند قضایی با عدالت پیش برود اما در این میسر مشکلاتی وجود دارد که باید رفع گردد و تمام این تلاش‌ها برای تسریع در اجرا و اثربخش کردن فرایند قضایی است. درواقع، خط‌مشی سازمان قضایی علاوه بر مجازات مجرمان و پیگیری پرونده آنها، به دنبال کاهش جرایم در سطح جامعه است و برای این کار، مسئله حمایت از قربانیان را نیز پیگیری می‌کند و برای تقویت امنیت اجتماعی و بهبود زندگی مردم، تمام تلاش خویش را به کار می‌گیرد و به کمک آموزش‌دهی و ایجاد فرصت‌های شغلی به دنبال بازگرداندن آنها به زندگی است. درواقع، اگر این دو نهاد باهم همکاری داشته باشند، می‌توانند از بروز جرم در سطح جامعه جلوگیری کنند. ارتباطات دوسویه بین این دو نهاد می‌تواند موجب کاهش آسیب‌های اجتماعی شود و جرم‌زدی را در سطح جامعه کاهش می‌دهد. این نتیجه، با نتایج منظمی تبار و همکاران (۱۴۰۱) مبنی بر

لزوم ایجاد چارچوب مفهومی مشترک و برنامه‌های عملیاتی هماهنگ، روگر و فایرفاکس (۲۰۰۹) مبنی بر همکاری نهادهای و شفافیت در فرآیندهای کیفری و اعتباریان و کشوریان آزاد (۱۳۹۸) در زمینه وضوح اهداف و بهبود ارتباط بین سطوح مختلف قضایی هم‌سو است. همچنین، این دو نهاد با تمام توان خویش می‌کوشند تا مسئولیت خود را برای کنترل جرم سرقت انجام دهند و با افزایش کارایی و نگاه عملیاتی به این موضوع، به دنبال حل آسیب‌ها و انجام هرچه بهتر مسئولیت خود هستند. این مسئولیت‌ها مکمل هم بوده و از دستگیری تا مجازات را در پی دارد. این نتیجه با نتایج رزاقی و خالقی (۱۳۹۴) در زمینه مشارکت نهادهای غیر قضایی و اصلاح قوانین کیفری بر اساس آموزه‌های اسلامی هم‌سو است.

پیشنهادهای

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌گردد:

۱. فراجا تلاش خود را بر امر پیشگیری به شکل سخت‌گیرانه‌تر متمرکز کند و برای رسیدن به این مهم، نیروهای بیشتری را استخدام نماید و مأموران گشت‌زنی در محلات جرم‌خیز، در هر ساعت شبانه‌روز مراقب رفت‌وآمدهای مشکوک باشند.
۲. قوه قضاییه نیز باید در برخورد با مجرمان و رسیدگی به پرونده‌های آنان با جدیت بیشتری عمل کند و سرعت عمل خود را در برخورد با مجرمان افزایش دهد تا از تکرار جرم جلوگیری شود. این نهاد باید در کنار فعالیت‌های مثبت خویش، زمان‌بر و هزینه‌بر بودن فرایند رسیدگی به پرونده‌ها را کاهش و میزان منابع انسانی خود را افزایش دهد تا روند رسیدگی به جرایم تسریع گردد.
۳. یک راهکار دیگر در حوزه خطمشی قضایی، حمایت از قربانیان است تا با آموزش‌دهی و ایجاد فرصت‌های شغلی، از بروز دوباره پدیده جرم توسط مجرمان کاسته شود و آنها به آغوش جامعه بازگردند.
۴. رابطه دوسویه دو قوه قضاییه و انتظامی می‌تواند بروز جرم سرقت را کاهش دهد؛ بدین‌صورت که مرحله اول بازداشت مجرمان با پیگیری

مجازات آنان همراه شود تا روند مقابله با پدیده جرم به شکل کامل انجام شود.

۵. با توجه به مشکلات کادر انتظامی در برخورد قاطع با مجرمان و عدم وجود قوانین حمایت‌گرانه از آنها در مقابل مجرمان، باید این سیاست‌های انتظامی دارای پشتوانه باشند و از بالا مورد حمایت قرار بگیرند تا بتوانند مسئولیت خویش را به درستی اجرا کنند.

۶. دو نهاد انتظامی و قضایی باید علاوه بر وظیفه سازمانی خود، به بسترهای اجتماعی و فرهنگی ایجادکننده آسیب سرقت نیز توجه کنند و با تقویت آنها از بروز جرم سرقت جلوگیری کنند.

۷. دو نهاد قضایی و انتظامی برای مقابله با سرقت، همکاری و هم‌افزایی خود را افزایش دهند و با حذف نظام بروکراسی عریضی که بر این سازمان‌ها حکم‌فرما است، بتوانند از بروز سرقت جلوگیری کنند و سریع‌تر با آن مقابله کنند.

۸. دو نهاد برای مقابله با سرقت، زیرساخت‌های خود را بهبود بخشند و با استخدام نیروی انسانی، تقویت تجهیزات و مانند آن، روند رسیدگی به امور مجرمان را تسریع کنند.

۹. دو نهاد باید به مسئله مهم افزایش انگیزه در کارکنان خود توجه کنند و با بهبود شرایط رفاهی آنها انگیزه عمل به وظایف را در آنها افزایش دهند. همچنین، به تقویت معیشت خانواده‌های زندانیان توجه کنند تا بازتولید جرم کاهش یابد.

۱۰. خط‌مشی‌گذاری قوه قضاییه باید با تمرکز بر تسریع و تخصصی‌سازی رسیدگی به سرقت بازبینی شود. در این رابطه، پیشنهادها زیر می‌تواند به این موضوع کمک کند:

الف) تشکیل دادگاه‌های تخصصی سرقت مانند ایجاد شعب ویژه رسیدگی به جرایم سرقت با قضات آموزش‌دیده در حوزه جرایم مالی و اموال و استفاده از سیستم نوین دادرسی الکترونیک برای کاهش زمان رسیدگی به امور مجرمان؛

ب) الزام به صدور احکام بازدارنده و متناسب شامل تعیین دستورکارهای صدور حکم برای سارقان حرفه‌ای (مانند محرومیت از آزادی مشروط) و سارقان تفننی (مجازات جایگزین زندان)؛
ج) راه‌اندازی سامانه رصد پرونده‌های سرقت شامل ثبت الگوهای تکرار جرم و شناسایی شبکه‌های سازمان‌یافته سرقت برای ارائه گزارش به فراجا.

۱۱. خط‌مشی‌گذاری فراجا باید مبتنی بر تقویت رویکرد پیشگیرانه و عملیاتی تنظیم شود. در این رابطه پیشنهادهای زیر می‌تواند به این موضوع کمک کند:

الف) استقرار گشت‌های انتظامی شامل گماردن افسران پلیس در محلات پرخطر با مأموریت تعامل با شهروندان و جمع‌آوری اطلاعات محلی و نیز استفاده از تحلیل داده‌های جرم^۱ برای تعیین نقاط کانونی سرقت؛
ب) افزایش توان فنی واحدهای مبارزه با سرقت شامل تجهیز پلیس به نرم‌افزارهای شناسایی الگوی جرم و آموزش مهارت‌های شناسایی سارقان حرفه‌ای؛
ج) راه‌اندازی پلیس خصوصی محله‌محور با مشارکت بخش خصوصی و نهادهای محلی در تأمین امنیت؛ مانند طرح پلیس جامعه‌محور.
همچنین، دارا بودن یک رویکرد شبکه‌ای به مقوله سرقت و تلاش برای هماهنگی تلاش‌ها و اقدام‌های انتظامی و قضایی باید سرلوحه سیاست‌های این دو نهاد قرار گیرد. هماهنگی قضایی - انتظامی با رویکرد ایجاد خط‌مشی‌گذاری یکپارچه از طریق فعالیت‌های زیر انجام می‌پذیرد:
الف) اتاق فرمان مشترک قضایی - انتظامی با ایجاد سامانه اشتراک اطلاعات بین فراجا و قوه قضاییه برای پیش‌بینی و مهار جرایم سرقت و تعیین نقاط مشترک گزارش‌دهی (مانند اعلام فوری سرقت‌های مسلحانه به دادسرا)؛

ب) طرح‌های مشترک آموزش و ارزیابی شامل دوره‌های مشترک برای قضات و مأموران فراجا در زمینه شناسایی شگردهای جدید سرقت. به‌طور کلی قوه قضاییه با تخصصی‌سازی دادگاه‌ها، کاهش زمان دادرسی و احکام متناسب و فراجا نیز با بهره‌گیری از توانمندی پلیس پیشگیرانه، فناوری‌محور و جامعه‌محور؛ و متولیان این دو نهاد با ایجاد شبکه هماهنگی نهادی از طریق سامانه‌های یکپارچه اطلاعاتی و آموزش مشترک می‌توانند به کاهش پایدار جرم سرقت کمک کنند.

تقدیر و تشکر

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از قضات محترم استان یزد که با مشارکت صادقانه خود، تجربیات و دیدگاه‌های ارزشمندشان را در اختیار این پژوهش قرار دادند و از فرماندهان و مدیران فرماندهی محترم انتظامی استان یزد و کارکنان زحمت‌کش پلیس پیشگیری و آگاهی که با همکاری صمیمانه خود، داده‌های ضروری این پژوهش را فراهم کردند و نیز از اساتید و صاحب‌نظران ارجمندی که بارانمایی‌های دلسوزانه و نقدهای سازنده خود، غنای علمی این پژوهش را ارتقا بخشیدند، تشکر کنند.

فهرست منابع

- اعتباریان خوراسگانی، اکبر و کشوریان آزاد، رقیه (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر بر اجرای خطمشی‌های قوه قضاییه (بر اساس مدل ناکامورا و اسمال‌وود). نشریه مدیریت دولتی، ۹ (۳۳)، ۱۰۳-۸۵. <https://sanad.iau.ir/Journal/ijpa/Article/790248>
- اندی، هادی؛ پیوند پور، سجاد و قائمی، امیرحسین (۱۴۰۲). واکاوی نظریات جرم‌شناسی درباره جرم سرقت. دومین کنفرانس ملی مطالعات بنیادین فقهی، حقوقی: نظریه‌ها، رویکردها و چالش‌ها. مشهد. <https://civilica.com/doc/2099534>
- بیانلو، یوسف؛ قدرتی، حسین؛ حسنی، محمدحسین و بیات، مریم (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی سرقت‌های ایستگاهی و غیر ایستگاهی شهرهای زنجان در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷. فصلنامه دانش انتظامی، ۱۳(۱)، ۱۳۱-۱۵۵. http://pok.jrl.police.ir/article_97059.html
- رجبی تاج امیر، ابراهیم؛ افشاری، فاطمه و افشاری، جواد (۱۴۰۰). نقش پلیس در پیشگیری و کنترل جرم در سیاست جنایی تقنینی ایران. پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱ (۲)، ۱۲۵-۱۴۴. <https://doi.org/10.22034/2021.1265518.1050144>
- رشیدی، سعید (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی جرم سرقت در حقوق ایران و آمریکا. نهمین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، حقوق، مطالعات اجتماعی و روانشناسی. <https://civilica.com/doc/2162288>
- رزاقی، سید مهدی و خالقی، ابوالفتح (۱۳۹۴). رویکرد قضایی و انتظامی نسبت به مقابله با سرقت‌های خرد. نخستین کنفرانس سراسری پژوهش‌های نوین در حقوق و علوم اجتماعی. شیراز. <https://civilica.com/doc/512681>
- عباسی ورکی، الهام (۱۳۸۷). شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم‌خیز شهر قزوین با استفاده از سامانه مطالعات جغرافیایی [پایان‌نامه کارشناسی ارشد]. دانشگاه زنجان.
- عباسلو، بختیار و قاسمی عطایی، مجید (۱۳۹۳). بررسی تأثیر خلأهای قانونی بر عملکرد فرماندهی کوپ پلیس پیشگیری استان همدان. فصلنامه دانش انتظامی همدان، ۱۱(۱)، ۱-۲۰. http://journals.police.ir/article_17207.html
- قانون مجازات اسلامی. (۱۳۹۲). مجموعه قوانین و مقررات کیفری جمهوری اسلامی ایران. معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
- کشوریان آزاد، رقیه؛ اعتباریان خوراسگانی، اکبر؛ هادی پیکانی، مهربان و شاهنوشی، مجتبی (۱۴۰۱). طراحی مدل اجرای خطمشی‌های قضایی در نهاد قضایی کشور. مدیریت دولتی، ۱۴(۱)، ۱۶۴-۱۲۹. <https://doi.org/10.22059/jipa.2021.334472.3060129>
- محسنی تبریزی، علیرضا، قهرمانی، سهراب و یاهک، سجاد. (۱۳۹۰). فضاهای بی‌دفاع

- شهری و خشونت (مطالعه موردی فضاهای بی‌دفاع شهر تهران). جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۲(۴)، ۷۰-۵۱. <https://doi.org/10.1001.1.20085745.1390.22.4.46>
- منظمی تبار، جواد؛ دوستدار، رضا؛ سمیعانی، محمد و رفیعی دولت‌آبادی، محمدرضا (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی تعامل فراجا و قوه قضائیه در پیشگیری از جرم. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت نظامی، ۲، ۲۰۳-۲۲۶. <https://doi.org/10.22034/pmsq.2022.198164.1212>
- نوربها، رضا (۱۳۹۲). زمینه جرم‌شناسی. تهران. گنج دانش.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1191/1478088706QP0630A>
- Fairfax, R. A., Jr. (2009). Delegation of the criminal prosecution function to private actors. *UC Davis Law Review*, 43, 411-464. https://lawreview.law.ucdavis.edu/sites/g/files/dgvnsk15026/files/media/documents/43-2_Fairfax.pdf
- Kelling, G. L., & Moore, M. H. (1989). The evolving strategy of policing (No. 4). U.S. Department of Justice, Office of Justice Programs, National Institute of Justice. <https://www.ojp.gov/pdffiles1/nij/114213.pdf>
- Lvovsky, A. (2021). Rethinking police expertise. *Yale Law Journal*, 131, 475-550. <https://www.yalelawjournal.org/article/rethinking-police-expertise>
- Mayhew, P. (1986). Crime in public view: Surveillance and crime prevention in environmental criminology. In P. J. Brantingham (Ed.), *Environmental criminology* (pp. 119-?). National Crime Prevention Institute. <https://www.ojp.gov/ncjrs/virtual-library/abstracts/crime-public-view-surveillance-and-crime-prevention-environmental>
- Murry, C. (1994). The physical environment in crime. In J. Q. Wilson (Ed.), *Crime* (pp. ?-?). Institute for Contemporary Studies.
- Newman, O. (1973). *Defensible space: Crime prevention through urban design*. Collier Books.
- Posick, C., Rocque, M., & Whiteacre, K. (2012). Examining metal theft in context: An opportunity theory approach. *Justice Research and Policy*, 14(2), 79-102. <https://doi.org/10.3818/JRP.14.2.2012.79>
- Rocha Beardall, T. (2024). Legal reality or legal mirage? Examining the relationship between police violence, legal consciousness, and the promise of civil legal justice. *Punishment & Society*, 26(4), 629-646. <https://doi.org/10.1177/14624745241237702>
- Sherman, L. W., & Eck, J. E. (2002). Policing for crime prevention. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 587(1), 82-101. <https://doi.org/10.1177/0002716202587001007>
- Siegel, L. J. (2006). *Criminology: Theories, patterns, and typologies* (9th ed.). Thomson/Wadsworth. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=406763>
- Walker, S. (2005). *The police in America: An introduction*. McGraw-Hill Higher Education. <https://landing.wizerco.com/report-1402/season-2>